

دره‌بین

دشمن بشر و حجر و شجر

درباره جنایات رژیم صهیونیستی در غزه و کشتار مردم بی‌پناه فلسطینی

جنایات هولناک صهیونیست‌ها در حق فلسطین، در کشتن انسان‌های مظلوم خلاصه نمی‌شود، بلکه با جنایتکاری روبه‌روییم که جنایت را در حق سایر جنبه‌های این سرزمین نیز روا می‌دارد؛ ازجمله در حق آثار تاریخی، میراث فرهنگی، محیط‌زیست و… همین واقعیت است که رسانه‌های عربی را بر آن داشته تا از تعبیر جالبی در این باره استفاده کنند: «اشغالگری که با «البشر والحجر والشجر» دشمنی می‌کند؛ در این اصطلاح، حجر (سنگ) نماد معماری، تمدن و دستاوردهای بشری و شجر (درخت) نماد محیط‌زیست و جغرافیای طبیعی فلسطین است. واقعیت ماجرا این است که رژیم صهیونیستی علیه انسان و انسانیت جنایت می‌کند و آمریکا نیز پشتیبانش است. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه، در سخنرانی خود در مراسم روز جهانی حقوق بشر در شهر «استانبول» گفت: «به‌دلیل وتوی آمریکا، هیچ تصمیمی گرفته نشد. اصلاح شورای امنیت سازمان ملل ضروری است.» چون آمریکا بامداد شنبه قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد برای برقراری آتش‌بس فوری در غزه را و تو کرد. طبیعی هم هست که بعد از این رأی‌گیری، گیلاد Erdan، نماینده اسرائیل طی پیامی در شبکه اجتماعی ایکس از دولت جو بایدن بابت «حمایت قاطع از اسرائیل» تشکر کند! آن هم تشکری که تا همین حالا منجر به شهادت ۱۷هزار و ۵۰۰ تن از زنان، مردان و کودکان بی‌گناه فلسطینی شده است. در رابطه با این فاجعه و رویکرد رژیم صهیونیستی مبنی بر ضدیت با انسانیت، آثار تاریخی و تمدن فلسطینی، محمدمهدی سلامی، یادداشتی در کانال تلگرامش منتشر کرده که بخش‌هایی از آن را انتخاب کرده‌ایم و در ادامه می‌خوانید.

دشمن بشر

تاریخ تجاوزگری صهیونیست‌ها در حق ملت فلسطین، محدود به امروز و دیروز نیست؛ بلکه با چندین دهه جنایت علیه آثار تمدن بشری مواجهیم. به‌عنوان نمونه، «ولید الخالدی»، مورخ نام‌آشنای عرب، در کتابی با عنوان «کی لا تُنسی» (تا فراموش نکنیم…) پژوهشی تفصیلی درباره جنایات صهیونیست‌ها در خلال جنگ ۱۹۴۸ انجام داده است. وی در این کتاب، مطرح می‌کند که صهیونیست‌ها در آن سال، ۴۱۸ روستا را در سرزمین فلسطین به‌طور کامل نابود کرده و ساکنان آنها را به کوچی اجباری واداشتند؛ روستاهایی که به‌کلی از میان رفتند و امروز، تنها نامی از آنها باقی مانده است. پرواضح است که این روستاها، روزگاری، بخشی از تمدن بشر را در خود نهفته داشتند و دشمن جنایتکار، با این قسم جنایات وحشیانه، بسیاری از این مظاهر تمدنی را برای همیشه از روی کره زمین محو کرد.

دشمن حجر و شجر

اما جنگ اخیر غزه، سند دیگری بر دفتر قطور جنایات رژیم صهیونیستی علیه تاریخ و فرهنگ غزه افزود. بمباران‌های گسترده این رژیم در همین مدت کوتاه (از آغاز جنگ تا حدود نیمه ماه نوامبر)، به اذعان وزارت فرهنگ فلسطین، ۵ کتابخانه و انتشارات و ۶ مرکز فرهنگی را از بین برده، بخش گسترده‌ای از بافت تاریخی شهر غزه را که مشتمل بر ۱۴۶ خانه و عمارت تاریخی بود، نابود کرد. همچنین است تخریب تعدادی از مساجد، کلیساها، مدارس، مقابر و بازارهای تاریخی این شهر و



نیز بندر تاریخی غزه. ازجمله وقایع تأسفبار دیگر، نابودی آرشیو مرکزی شهرداری غزه بود؛ آرشیویی مشتمل بر اسناد تاریخی ارزشمندی که تاریخ غزه و ساکنان آن را از حدود ۱۵۰ سال پیش تا امروز در خود نهفته داشت و در اثر بمباران‌های شدید این رژیم، خسارات گسترده‌ای به این آرشیو وارد شد. همچنین موزه «القراره» (تأسیس ۱۹۵۸) که به‌نوعی سخنگوی تاریخ، هویت و فرهنگ مردمان فلسطین بوده و حدود ۳هزار و ۵۰۰قطعه تاریخی و میراث مردمی را در خود جای داده بود، دچار آسیب جدی شد. در خلال بمباران غزه، بخش قابل‌توجهی از دکوراسیون داخلی، شیشه‌های خارجی، و پتیرین کلکسیون‌های عتیقه و بسیاری از قطعات داخلی موزه از بین رفت.

دشمن مسجد و کلیسا

تنها چند قدم آن‌طرف‌تر از مقَرّ شهرداری غزه و در بافت تاریخی آن، ناقوس‌های کلیسای ارتدوکس «سنت پورفیریوس»، مناره‌های مسجد «کاتب‌الولایه» را در آغوش کشیده است؛ نمادی از هم‌زیستی تاریخی مسلمانان و مسیحیان در این منطقه که در خلال بمباران اخیر نیز به منصفه ظهور رسید و شاهد بودیم که کلیسای مذکور، درحالی‌که صدها نفر از آوارگان فلسطینی را – اعم از مسیحی و مسلمان – در خود جای داده بود، در اثر بمباران، ۱۸ نفر از مسلمانان و مسیحیان پناه برده به آنجا، دوشادوش یکدیگر به شهادت رسیدند تا بار دیگر، اختلاط خون مسلمان و مسیحی، ثابت کند که اصالت ساکنان این سرزمین با مسلمان و مسیحی است، نه یهودی! کوتاه‌سخن آنکه با رژیمی روبه‌روییم که برای نیل به اهداف نامشروع خود، حاضر است نه‌تنها انسان، بلکه دستاوردهای انسانی و منابع طبیعی را نیز یکباره نابود کند. بر همین اساس است که وزیر میراث کابینه نتانیاهو، در بحبوحه جنگ اخیر، انداختن بمب اتم در نوار غزه را به‌عنوان یکی از گزینه‌های پیش رو در معادلات جنگ مطرح کرده و در ادامه، بر لزوم محونوار غزه از روی زمین تأکید می‌کند!

پدر کون‌دارد نشان از پسر!

و نکته پایانی آن که این قبیل رفتارهای تکفیرگونه، ما را به یاد جنایات داعش در جنگ سوریه می‌اندازد. این گروهک تکفیری، طی مدت سیطره کوتاه خود بر مناطقی از عراق و سوریه، علاوه بر جنایات ضدبشری، در جنایاتی ضدفرهنگی و مغایر با کنوانسیون‌های بین‌المللی، به برخی موزه‌ها، بناها و مقابر تاریخی هجوم برده و بسیاری از آثار باستانی و تاریخی را با پتک چهل و نادانی‌اش نابود کرد. آری، تلاش برای نابودی حرث و نسل، فصل مشترک همه رفتارهای تکفیرگونه است…

✍ [علی‌اکبر زاهدی/ کارشناس ارشد تاریخ]
روز گذشته یادداشتی دیدم از یکی از مترجمان کشور درباره رضاشاه که مایه تأسف بود، البته یادداشت در فضای مجازی و به شکل پست در اینستاگرام منتشر شده بود و نشان می‌داد که به هر حال نویسنده، آقای بیژن اشتری، به روال این نوع پست‌ها، چندان در بند آوردن فکت نبوده است. طبیعی هم هست و تا اینجای کار می‌پذیریم که نمی‌شود در یک پست کوتاه، مطلبی با معیارهای مقاله‌ای علمی ارائه داد، اما رویکرد ایشان، فاجعه‌ای بود به توان دوا! چرا؟! اول اینکه سفیدشویی رضاشاه اشتباهی مهلک و عوامانه است که ایشان مرتکب شده و دوم اینکه مترجم کتاب‌های تاریخی مثل آقای اشتری نباید به چنین سطحی نگری تن بدهد. ایشان در پست خود نوشته که در این یکی دو روز گذشته که قضیه اختلاس سه میلیارد و هفتصد میلیون دلاری برملا شد، به یاد رضا شاه اقدام که بیچاره با چه دقت و دلسوزی بر مصرف ارزهای خارجی کشور نظارت می‌کرد؟! بعد هم فکتی آورده از کتاب خاطرات یکی از نزدیکان شاه و هیچ اشاره‌ای هم نکرده‌اند که اسم این کتاب چیست و فرد نزدیک به شاه که بوده! در پایان هم به این نتیجه رسیده‌اند که ثروت مملکت برای رضاشاه بسیار مهم بود و نوشته: «بله، رضاشاه دیکتاتور بود اما حداقل به‌عنوان حاکم حواسش جمع بود که کسی به بیت‌المال دست‌درازی نکند حتی در حد بیست پوند!» پاسخ به این ادعاها را در ادامه با هم می‌خوانیم.

در سطح مجریان «من و تو» نباشیم!

خب تا اینجای کار کسی که اندکی تاریخ معاصر به‌خصوص دوره پهلوی اول را مطالعه کرده باشد، متوجه خواهد شد که این جملات شوخی بی‌معنایی بیش نیست.

درواقع از مترجمی مثل آقای اشتری بعید است که چرا اصلاً سراغ کتاب‌های تاریخی ایران نرفته‌اند و در این زمینه مطالعه‌شان در حد مجریان شبکه «من و تو» است! چراکه فقط چند مثال ساده تاریخی نشان خواهد داد که نظر ایشان به‌کلی پرت و دور از نظر کارشناسی است. من در ادامه فقط به چند کتاب اشاره می‌کنم که بد نیست بروند آنها را مطالعه کنند تا اینطور بی‌مطالعه قانون صادر نکنند و مخاطبان ناآگاه بیچاره را هم به وادی سرگردانی نکشانند.

عالیجناب و شهوت تصاحب‌زمین

اگر ایشان نام یرواند آبراهامیان، مورخ ایرانی و استاد برجسته تاریخ در کالج باروخ و مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه نیویورک را شنیده باشند که قطعاً شنیده‌اند، پیشنهاد می‌کنم سری به کتاب «تاریخ ایران مدرن» بزنند. در صفحه ۱۷۱ این کتاب آقای آبراهامیان می‌نویسد: «اوایل سال ۱۹۳۲م، سفارت بریتانیا گزارش داد رضاشاه، شهوت تصاحب زمین دارد؛ طوری که همه خانواده‌ها را روانه زندان می‌کرد. مگر اینکه با فروش املاک‌شان به وی موافقت کنند. اشتهای سیری‌ناپذیری به زمین، دارد به حدی می‌رسد که چند صباح دیگر از اینکه چرا اعلیحضرت بی‌درنگ همه ایران را به نام خود به ثبت نمی‌رسانند، تعجب خواهیم کرد!»

اسیر چهل و طمع

همچنین کریستین دلانوا، مورخ فرانسوی، در صفحه ۲۴ کتاب «ساواک» می‌نویسد: «پدر شاپور بختیار معتقد بود رضاشاه دو عیب بزرگ داشت؛ چهل و طمع. در عرض چند سال پس از رسیدن به قدرت، این نظامی یک‌لاقیا به یکی از بزرگ‌ترین مالکان ارضی کشور تبدیل شد. او نخست به نام مصالح دولت از خوانین بزرگی که قدرتش را محدود می‌کردند، سلب مالکیت می‌کرد، آنان را به زندان می‌انداخت، سپس با اغتنام فرصت و به نام مصالح شخصی‌اش زمین‌هایشان را تصاحب می‌کرد… مثلاً او مشاور، وزیر مالیه و امور خارجه

جهان پلاستیکی فمینیسم

«کمپانی سازندگان عروسک «باربی» در تولید این فیلم چه هدفی را دنبال می‌کردند؟

زمانی که «گرتا گروینگ» برای کارگردانی باربی قراردادش را امضا می‌کرد، یکی از چالش‌های کمپانی «متل»(Mattel) این بود؛ چگونه فیلمی ساخته شود که بتواند برندهای مشهور این کمپانی را در بازار بازبایی کند. از دیگر اهداف فیلم به روایت سازندگان که در مصاحبه‌های آنان مشهود است، ساخت اثری سینمایی با داستاویز عروسکی است که بتواند گفتمان‌های تبلیغاتی غرب درباره زنان را برجسته کند، به‌همین دلیل است که فیلم بامعرفی «سرزمین باربی» آغاز می‌شود؛ جایی که باربی می‌گوید: «همه مشکلات فمینیسم و حقوق برابر حل شده‌است.»

گفتمان جنسیت و فمینیسم

درباره این فیلم خبرگزاری فارس، تحلیلی مفصل منتشر کرده که بخش‌هایی از آن قابل تامل است. به عنوان مثال، در این تحلیل آمده است که مدیران کمپانی «متل» و خالقان این عروسک از سال ۱۹۵۹، دو گزاره گفتمانی جنیست و فمینیسم را مد نظر داشته و تلاش کرده‌اند آن را توسعه بدهند. به همین دلیل است که فیلم سینمایی «باربی» در واقع قرار بوده به نوعی نمادسازی برست تا جنسیت و فمنیسم مندرج در تفکر کمپانی مذکور، بازتولید شود. رسیدن به چنین مقصودی برای آنها ۱۰۰ میلیون دلار هزینه داشت و جالب اینجاست که بذیرفتند، چراکه می‌دانستند با

در اوایل قرن و یکی از بزرگ‌مالکان مازندرانی را که نخواسته بود زمین‌هایشان را به شاه بدهد، زندانی کرد.»

۲۰تا ۳۰ میلیون پوند ثروت رضاشاه!

همچنین محمدقلی مجد، مدرس مرکز خاورمیانه دانشگاه پنسیلوانیا، در کتاب «رضا شاه و بریتانیا» می‌نویسد: «رضاخان به هنگام استعفایش در سال ۱۹۴۱میلادی بیش از ۷۶۰ میلیون ریال (۵۰میلیون دلار) در بانک ملی سپرده داشت. مبالغ هنگفتی نیز در بانک‌های خارجی ذخیره کرده بود.

به کمک اسناد و مدارک وزارت امور خارجه و خزانه‌داری آمریکا (اکنون) می‌دانیم که رضاشاه مبلغی بالغ بر ۲۰تا ۳۰میلیون پوند (۱۵۰تا۱۵۰میلیون دلار) در لندن داشت که این مبلغ باورنکردنی در سال ۱۹۴۱به پسر و جانشین‌اش، محمدرضا پهلوی رسید.»(ص ۳)

بازتولید تفکراتی که ذکرش رفت، می‌توانند به سودکلان چندبرابری برسند.

هدف؛ دختران ۱۲ تا ۱۳ساله

همچنین بنا به تحلیل منتشرشده، بازار هدف فیلم «باربی»، دختران جوان بین ۳ تا ۱۲ ساله‌ای هستند که به این عروسک علاقه‌مند بوده‌اند. هرچند تحلیل فوق‌ذکر، بر این ادعا متکی است که فیلم به لحاظ وجوه هنری، ناتوان و شکست‌خورده است، اما به نظر می‌رسد به لحاظ جذب بازار هدفش موفق

